**بازتاب خبری مناظره «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» در رسانه­ها**

با حضور

حجه الاسلام غرویان

حجت الاسلام سروش محلاتی

تاریخ برگزاری : 8 دیماه 1393

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

[ارسال به دوستان](http://www.farsnews.com/mail.php?nn=13931009000485) 

گزارش فارس از مناظره «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام»

**بین غرویان و سروش محلاتی چه حرف‌هایی رد و بدل شد/ «کرامت انسانی» ذاتی است یا اکتسابی**

**حجت‌الاسلام غرویان گفت: از بیرون که سیر تفکرات فقهی و فلسفی و انسان‌شناختی را رصد می‌کنم، می‌بینم ضرورت‌های زمان، فقهای ما را وادار می‌کند فتاوای جدید بدهند، بحث کرامت ذاتی انسان و کرامت کفار و طهارت کفار نیز از این دست است.**



به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه [خبرگزاری فارس](http://www.farsnews.com/)،‌ مناظره «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» بین حجج اسلام محسن غرویان و محمد سروش محلاتی، از اساتید حوزه و دانشگاه عصر روز گذشته (دوشنبه 8 دی ماه) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پایان رسید.

در ابتدای این نشست اشرف بروجردی، معاون فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به نخستین نشستی که درباره کرامت انسانی دراین پژوهشگاه برگزار می‌شود، توضیح داد: در مبحث ذاتی بودن یا نبودنی کرامت انسانی بین علما اختلافاتی وجود دارد بنابراین ما هم در جهت اعتلای اندیشه و رشد و توسعه مفاهیم دینی و معارف الهی دراین حوزه گامی برخواهیم داشت.

محمدحسن ضیایی‌فر، دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران در این نشست دبیری جلسه را برعهده داشت و عنوان کرد: امروزه بحث‌های کرامت انسانی در صدر مباحث قرار دارد و برای آنها بودجه‌های سنگین در جهان صرف می‌شود تا هر کشوری خود را مدلل نشان دهد. در زمانه‌ای این جلسه برگزار می‌شود که فقه و مراکز تخصصی اسلامی ما خارج از حکومت نیستند تا بگویم حکومت راه خود را می‌رود و ما دیدگاه‌های اجتهادی خود را داریم، بنابراین انتظار می‌رود که اندیشه اجتماعی و انسانی جریانی در حکومت داشته باشد و برنامه‌ها دراین زمانه سنجیده باشد چه اگر صرف نظری نسنجیده باشد برای نظام هزینه سنگین در بر دارد، در نهایت باید این گفتمان را در راستای پیشبرد دغدغه‌هایمان تقویت کنیم.



**\*مناظره، نه منازعه!**

حجت‌الاسلام محسن غرویان: امروز راجع به کرامت انسانی تحقیقات گسترده‌ای می‌شود، از سال 2010 به این سمت ده‌ها کتاب در کشورهای مختلف به زبان‌های متعدد نوشته شده و تفسیرهای مختلفی از آن شده است. در این جلسه سعی داریم مناظره به معنای واقعی داشته باشیم نه منازعه. این مناظره علمی نظرات مختلف در برخواهد گرفت. در بحث‌هایی هم که درباره کرامت انسانی می‌شود ما راهی نداریم جز اینکه شروع فلسفی داشته باشیم چرا که اگر با حدیث و آیه شروع بکنیم فرضمان بر این است که عده‌ای در دنیا تعبدی به آیات و روایت اسلام ندارند، بنابراین بهتر است تحلیل فلسفی و حکمی داشته باشیم. نکته دیگر تفسیرها از اسلام و آیات و روایات در همه زمینه‌ها گوناگون است بنده معتقدم ما باید قرائت‌های مختلف را بپذیریم و این امر اجتناب ناپذیر است.

در بحث کرامت نمی‌توانیم از زیر بار پلورالیسم و قرائت‌های مختلف خارج شویم، اینکه کدام تفسیر را دیگران می‌پذیرند بستگی به قوت استدلال ما دارد، دنیای امروز دنیای برهان و استدلال است و ما هم در این عرصه باید استدلال داشته باشیم. نکته دیگر خود کرامت باید به عنوان کلیدواژه معنایش روشن شود و یک تحلیل‌های قوی اینجا لازم است، باید فلسفه را تعریف کنیم و بگوییم فیلسوف کیست. بنده تعاریف فیلسوفان یونان باستان را تدریس کردم باید وارد این بحث‌ها شویم تا کرامت انسانی را دریابیم ، اینها زیربنای علوم انسانی در تمام رشته‌ها هستند و ضرورت دارد که با این نگاه ما وارد بحث‌ها شویم.

**\* انسان‌ها کرامت ذاتی دارند یا کرامت اکتسابی است؟**

به اعتقاد بنده کرامت یک مفهوم نسبی است برای روشن شدن بحث باید بررسی کنیم که وقتی می‌گوییم انسان موجود کریمی است نسبت به چه چیز کریم است؟ بنده می‌گویم که خداوند حی و انسان هم حی است، حیات انسان تجلی حیات خداوند است و در بین عالم طبیعت انسان اشرف احیاء است، بنابراین همه انسان‌ها کرامت دارند چون خداوند یکی از اسماء خود را در وجود انسان زنده کرده است و آن هم حی است با این نگاه برای همه انسان‌ها یک کرامت و ارزش ذاتی قایل می‌شویم.

اما یک نگاه مقایسه‌ای و اضافه‌ای درباره اینکه انسان‌ها کرامت دارند نسبت به جمادات و نباتات و ... دارای کرامت اضافی است، در منابع دینی آیات و روایت نیز بدان اشاره شده است کرامت اکتسابی جایی مطرح می‌شود که انسان‌ها علم و فضائل اخلاقی را مطرح می‌کنند این هم از نگاه فضائل و رذائل است.

**\*منشأ کرامت انسانی باید حیات باشد**

حجت‌الاسلام سروش محلاتی: نکته اول این است که اگر کرامت ذاتی است همه انسان‌ها از نظر برخورداری کرامت با هم مشترک هستند و جنسیت و ملیت و دین و ... هیچ دخالتی ندارد و به هر میزان مشخص دیندار باشی، کرامت ذاتی داری و بالعکس، بنابراین شخصی که فاقد دین هم هست از آن برخوردار است اما اگر قائل به کرامت ذاتی نشدیم نظریات مختلفی مطرح می‌شود ولی آنچه فعلاً در جامعه مطرح است اینکه کرامت برای انسان ناشی از دینداری اوست کسی که دین حق را نمی‌پذیرد از آن برخوردار نیست!

براساس دیدگاه یکی از علما در جامعه ما آنگاه انسان خلیفة الله است که «مستخلف عنه» است یعنی خداوند را بفهمد اما اگر جای خدا قرار بگیرد و حرف خود را بزند او خلیفة‌الله نیست، پس لقب «کرّمنا» می‌گیرد، در نهایت کرامت برای انسان به علاوه دین است یا برای خود انسان است؟ این اصل بحث است!  آنچه بنده اینجا ادعا می‌کنم این است که کرامت ذاتی البته نه به نحوی که حاج آقای غرویان گفتند منشأش باید حیات باشد،‌ در هر مرحله هر موجود زنده کرامت دارد ولی کرامت انسانی به ماهو انسان مطرح است.

عقل، اراده، احساسات، عواطف و گرایشات امتیاز بشر برای انسان است اینها اینجا اصول موضوعه است و اصول مشترک بحث ماست. انسان با این امتیازات آیا حقوق خاصی دارد؟ از جنبه عقلی بله، خود امتیازات کرامت است ما به این اعتقاد داریم که چون انسان تفکر محور است خداوند بیهوده قدرت تفکر به انسان نداده، همه چیز با حکمت خداوند سازگار است. بیان قرآن کریم به پیامبر (ص) این است که اگر خدا می‌خواست همه انسان‌ها را مؤمن خلق می‌کرد و  اراده انتخاب را بین کفر و ایمان از انسان می‌گرفت.

**\*بنی آدم نشانه کرامت است نه شیعه و مسلمان بودن**

بنابراین در قدم نخست باید مبنای کرامت را اثبات کرد ، دوم رابطه حقوق و انسان را مشخص ساخت. اگر کسی اعتقادی به مسائل فلسفی ندارد و دلش به قرآن آرام می‌گیرد باید با آیات قرآن این مباحث را برایش بیان کرد اما بنی آدمی که خداوند می‌فرماید را نمی‌توان شیعی و مسلمانی کرد، خود بنی آدم نشانه گستردگی کرامت است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید که کرامتی که خداوند فرموده کفار را هم شامل می‌شود. ما انسان‌ها می‌خواهیم در کره زمین زندگی کنیم آیا بدون کرامت انسان‌ها امکان همزیستی بین انسان‌ها هست؟ آنهایی که نشسته‌اند و اعلامیه جهانی حقوق بشر را نوشتند دنبال راه حل عملی در شرایط جهانی بودند.

**\*دین عنصری بین همه انسان‌ها است**

حجت‌الاسلام غرویان: فرمایشی که جناب سروش محلاتی مطرح کردند مربوط به آیت‌الله جوادی آملی است، منتها من هم با ایشان همراهی می‌کنم. بحث مهم جناب سروش این است که آنچه در بحث کرامت امروز مطرح است مسئله دین است اینکه آیا انسان باید برای کرامت داشتن دیندار باشد یا کافر و مؤمن فرقی ندارد؟ استدلال سروش بر لغت «کرّمنا» در قرآن کریم ممکن است، اما اینطور می‌توان گفت که همه انسان‌ها دین ندارند دین عنصری بین همه انسان‌ها است که به تعبیر قرآن تبدیلی برای آن نیست این دین اگر مراد باشد شامل همه انسان‌ها می‌شود، این منظر آیت‌الله جوادی برای گفتن انسان با ایمان و تدبیر است.

آیت‌الله جوادی آملی همینطور انسان را موجود متأله می‌دانند اما با توجه به تفاوت‌های کفر و ایمان باید گفت که نگاه فقهی با نگاه غیرایدئولوژیک متفاوت است البته انسان‌ها فطرتاً پاک هستند و به لحاظ ایمان فطری هم کرامت انسانی دارند و ملاک آن کرامت هم ایمانشان است یعنی بالقوه هم مؤمن‌اند و کرامت ذاتی دارند اما الان به ادیان کره زمین نگاه کنیم همه خود را مؤمن و خداپرست می‌دانند و دارای کرامت انسانی، ما نمی‌توانیم خود را قاضی کنیم که ایمان ما درست است و کفر هر چیزی غیر از باور ما است!

بنده پیشنهادی برای شما دارم و اینکه اساتید اروپایی را برای دیدار با برخی علما نبریم چرا که ما یک بار مهمانانی از متکلمان مسیحی داشتیم خدمت یکی از علما بردیم، آن عالم به محض ورود گفت که ما حرفی با مسیحی‌ها نداریم، البته ما این سخن ایشان را برای آن مسیحی‌ها ترجمه نکردیم و گفتیم که استاد حالشان خوب نیست!

ما تفاسیر مختلفی از اسلام داریم و نگاه‌ها متفاوت است برای انسان‌ها نیز حقوقی قائل هستیم اگر ما می‌بینیم که گوشه‌ای از جهان به حقیقت توحید و یکتاپرستی یک حکومتی یا ملتی ظلم می‌شود ما می‌گوییم مسئولیت داریم وارد کارزار شویم.

**کرامت انسانی در فقه چندان مورد توجه نیست**

حجت‌الاسلام سروش محلاتی: متأسفانه دیدگاه کرامت انسانی در فقه خیلی مورد توجه قرار نگرفته، حال باید بررسی کرد که آیا ظرفیت نداشته یا اینکه اصل قرار نگرفته است. کرامت ارزشی و اکتسابی محوریت در اندیشه اسلامی دارد ، علامه جعفری هم در اندیشه اسلامی برای کرامت ارزشی خیلی مانور داده‌اند. اینجا بگویم که بنده نمی‌خواستم اسم اشخاص برده شود ولی حال که برده شد، باید بگویم که آنچه آیت‌الله جوادی آملی گفتند با این توجیهات قابل بحث نیست چرا که ایشان تصریح کردند انسان آنگاه خلیفة است که اولا مستخلف عنه را بفهمد و ثانیاً آن را اجرا کند، الان آیا مردم چین فرمایش خدا را اجرا می‌کنند؟ بنابراین معنی فرمایش استاد جوادی آملی این نیست.

استاد غرویان هم اگر بفرمایند که ملاک دین فطری است باید گفت که دین فطری بالقوه است نه بالفعل. تصور کنید افرادی که بالفعل کافرند را بگوییم بالقوه در فطرتشان خداشناس هستند اگر دین بالقوه شود عین ملاک کرامت بالقوه است، احکام کرامت هم بالقوه می‌شود اما ما می‌خواهیم کرامت بالفعل ایجاد کنیم چرا که با آنها چیزی بدست نمی‌آید، پس این مشکلی را حل نمی‌کند. نکته دیگر اصلاً ایمان از بیخ و بُن ملاک کرامت ذاتی نیست، اگر بناست براساس ایمان کرامت ذاتی تعریف شود چرا اجنه را نمی‌گوییم دارای کرامت‌اند؟ مگر آنها مؤمن ندارند؟ آنها هم مسلمان دارند و سؤالات شرعی خود را از پیغمبر (ص) می‌پرسیدند. ملائکه چطور؟ آنها مؤمن هستند یا خیر؟ اما بحث روی کرامت انسانی است ما باید امتیاز انسان را نشان دهیم اگر از مشترکات انسان و موجودات دیگر بگذریم مسئله کرامت انسان پاسخ خود را پیدا نمی‌کند.

مسئله دیگر آنچه آقای غرویان گفت که کرامت و مبنای کفر و ایمان را برای همه قرار می‌دهیم و می‌گوییم همه برخوردار از دین هستند و کرامت دارند پس کسانی که دین ندارند چه؟ بازهم خودشان گفتند که ما نباید قضاوت کنیم که کسی دین ندارد بنابراین من می‌گویم اگر این مطلب اینجا گفته شود همه جا باید مطرح شود، پس چرا جاهای دیگر احکام کفر را مترتب می‌کنیم؟ پس این امر با مطلب قبلی قابل قبول نیست.

**\*سیر آینده تفکراتمان روشن نیست**

متأسفانه ما در یک سیری قرار گرفتیم که این سیر آینده روشنی ندارد سال 1357 انقلاب ایران پیروز شد بلافاصله چند ماه بعد مجلس تدوین قانون اساسی تشکیل شد شخصیت اول جامعه فکری بنی علما شهید مطهری بود و همان ردیف مرحوم شهید بهشتی قرار داشت ما آن زمان وقتی کتاب‌های آنها را می‌خواندیم آینده حکومت را ترسیم می‌کردیم در آنها خیلی به سهولت کرامت ذاتی انسان بحث شده است به طور مثال کتاب «نظام حقوقی زن در اسلام» که در آن مطهری بحث کرد بنای اعلامیه حقوق بشر کرامت انسانی است اما او بعد گفت که اینها به لحاظ فلسفی از اثبات کرامت عاجزند، بنابراین ما این سرمایه را داشتیم و ششمین اصل در بند دوم قانون اساسی‌مان نیز کرامت انسان است متأسفانه بعد از یکی ـ دو دهه ما هبوط کردیم که این حرف‌ها با دین و مذهب نمی‌سازد و هرکسی که دین دارد کرامت ذاتی دارد و بالعکس غیر از این کسانی که شهروند جمهوری اسلامی بشوند نیز کرامت دارند و کسانی که در صدد براندازی نظام باشند تا مفسد فی الارض هم کشیده می‌شوند!

امیدواریم مسیر ما به جاهای خطرناک نیانجامد وضع ما واقعاً چگونه است یک اصولی زمانی داشتیم مرحوم علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان به ارتباط انسان و خدا اشاره کردند پس اولاً کرامت ذاتی به لحاظ مبانی اسلامی قابل دفاع است و ثانیاً اگر نباشد ما باید مبنای جایگزین را برای آن معرفی کنیم و بگویم به دنیا ما طبق چه منطقی با شما حرف می‌زنیم؟ ثالثاً جریان عمومی بحث کرامت و تفکر واقعاً در جامعه ما دچار چالش شده است و باید متفکرین جامعه بهرحال این معضل را حل کنند و پاسخ روشنی داشته باشند و به مردم بگویند مبنای ما درباره کرامت چیست و چگونه باید عمل کنیم تا کی باید استخوان لای زخم بگذاریم و در لفافه سخن بگوییم.

ضیایی: استاد سروش صحبت‌هایشان را رک و با صراحت گفتند اما آقای غرویان خیر، نتیجه‌گیری آقای سروش این بود که حقوق انسانی برای همه انسان‌ها فارغ از دین و ... وجود دارد و این حقوق مبتنی بر کرام انسانی است.

حجت‌الاسلام غرویان: البته این را بگویم آقای سروش صریح نظرشان را گفتند منتها بنده چند سال زودتر نظرم را گفتم و در سازمانی که کار می‌کردم آزادی تفکر نداشتم بنابراین از آنجا بیرون آمدم. استاد سروش گفتند راهی که ما می‌رویم پایانش معلوم نیست ولی بنده می‌خواهم آن سمت قضیه را بگویم که ضروریت‌های زمان و تحقیقات علمای ما و اسلام‌شناسان ما را به سمتی می‌برد که بهرحال به طور ناخودآگاه بپذیریم یک سری واقعیت‌های جهان امروز با فتاوای علما تغییر می‌کند، من از بیرون که سیر تفکرات فقهی و فلسفی و انسان شناختی را رصد می‌کنم می‌بینم که ضرورت‌های زمان، فقهای ما را وادار می‌کند فتاوای جدید بدهند، بحث کرامت ذاتی انسان و کرامت کفار و طهارت کفار از این دست است. الان نظریه مشهوری دادند و می‌گویند کفار اهل کتاب پاک هستند ولی زمانی می‌گفتند کفار کلاً طاهر نیستند حالا باشیم و ببینیم اینها در آینده گسترش می‌یابد!

بنده امیدواری می‌دهم در دو دهه آینده فتاوای به روزتر و کاربردی‌تر شاهد خواهیم بود، حال در آینده احتمالاً به جواز ازدواج با کفار هم می‌رسیم چون ضرورت زمان اقتضا می‌کند!

انتهای پیام/ک



دوشنبه 8 دی 1393 22:01شماره خبر : 2650124

## گزارش ایکنا از یک مناظره علمی/

# کرامت انسانی ذاتی است/ تقابل محلاتی و غرویان در منشأ کرامت انسانی



گروه اندیشه: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عصر ۸ دی‌ماه میزبان آیت‌الله غرویان و حجت‌الاسلام والمسلمین سروش محلاتی بود که ضمن مناظره علمی در خصوص کرامت انسانی از دیدگاه اسلام، به بررسی منشأ کرامت انسانی پرداختند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، مناظره علمی کرامت انسانی از دیدگاه اسلام با حضور آیت‌الله محسن غرویان، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌(ص) و حجت‌الاسلام والمسلمین سروش محلاتی، مدرس خارج فقه حوزه علمیه قم به همت معاونت فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عصر امروز 8 دی‌ماه در سالن حکمت این پژوهشگاه برگزار شد.  
در ابتدای این مناظره که جمعی از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها نیز حضور داشتند، دکتر اشرف بروجردی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن خوش آمد گویی به حضار عنوان داشت: امروز که نخستین بحث به عنوان مناظره درباره کرامت انسان در این پژوهشگاه مطرح می‌شود که آیا کرامت انسان «ذاتی» است یا «اکتسابی»؟ و امیدواریم با پاسخ یه این سوال به درکی از این موضوع برسیم. همچنین امید آن می‌رود که دررابطه با مباحثی که به حقوق انسان و شهروندی او می‌پردازد و در راستای رشد و توسعه مفاهیم دینی این بحث‌ها و نشست‌ها ادامه پیدا کند.

**رییس کمیته حقوق بشر اسلامی: توجه به حقوق و کرامت انسان؛ نیاز امروز جامعه**

پس از سخنان بروجردی، دکتر محمدمحسن ضیایی‌فر، رییس کمیته حقوق بشر اسلامی اداره مناظره را بر عهده گرفت. وی با یادآوری نیاز امروز جامعه و دولت‌ها نسبت به اهمیت دادن و طرح مسائلی در رابطه با حقوق انسان و کرامت آن گفت: امروزه همه مکاتب فکری و کشور‌ها تلاش می‌کنند تا خود را هرچه بیشتر حقوق بشری و طرافدار کرامت انسان نشان دهند و دلیل آن هم این است که اگر بتوانند فرهنگ را به گونه‌ای نشان دهند که بیشتر از کرامت انسان صیانت می‌کند مخاطبان بیشتری جذب می‌کند.  
وی افزود: ما هم اگر قرار است در مورد اسلام سخن بگوییم باید بحث حقوق بشر و کرامت انسان را برای خود در اولویت ببینیم زیرا که امروزه در جهان بودجه‌های بسیار سنگینی برای آن در نظر گرفته می‌شود تا بهتر خود را مدلل نشان داده و وجهه خود را بهبود بخشند. اگر این گفتمان را تقویت کنیم در جهت پیشبرد دغدغه‌های اسلامی و صیانت از کرامت انسانی را در عملکرد‌ها ببینیم. وی سپس از آیت‌الله غرویان و سروش محلاتی در خواست کرد تا ابتدا به طرح دیدگاه‌ها و چارچوب اولیه بحث بپردازند.

**غرویان: از گوناگونی تفسیرها نمی‌توان چشم‌پوشی کرد**

غرویان در ابتدا با یادآوری عنوان مناظره، گفت: با توجه به اینکه در این جلسه می‌خواهیم در این مکان و این نشست به مناظره‌ای علمی بپردازیم، برای ورود به بحث کرامت انسانی ما چاره‌ای جز شروع فلسفی نداریم و نمی‌توانیم با آیه یا حدیثی این بحث را شروع کرد. لذا باید فرض را بر این گذاشت که در دنیای ما هم کسانی هستند که به اصول اعتقادی ما باورمند نیستند و در رابطه با این بحث که آیا کرامت انسان ذاتی است یا اکتسابی اصولی را پایه بگذاریم که شروع علمی داشته باشد.

وی همچنین با یادآوری گوناگونی تفسیر‌ها و قرائت‌های مختلف از اسلام، آیات و احادیث در رابطه با کرامت انسان گفت: ما باید تفسیرهای گوناگون را بپذیریم به این معنا که اینها وجود دارند، زیرا که اجتناب ناپذیر است و نمی‌توان از زیر بار این همه پلورالیسم و گوناگونی تفسیر‌ها چشم پوشی کرد و آنها را انکار کرد و باید سعی بر این باشد که قوی ترین استدلال‌ها عرضه کرده و مستدلل ترین برهان‌ها را پذیرفت.

**معانی کرامت انسانی**

این عضو جامعه المصطفی همچنین با اشاره به این که معانی مختلف در رابطه با کرامت انسانی وجود دارد، یادآور شد: باید معنی صریح واژه کرامت روشن شود تا ذاتی و یا نسبی بودن کرامت انسانی مشخص شود.

او همچنین مراد خود از شروع فلسفی را قائل شدن به هستی‌شناسی و نگاه کلان انسان به عالم هستی دانست و گفت: فیلسوف کسی است که بر بام هستی می‌ایستد و آن را نظاره می‌کند و در بحث کرامت انسان هم اگر با نگاه فلسفی به این امر نگاه کنیم ابتدا باید انسان را تعریف کنیم آیا انسان موجودی تام است؟ مادی است یا مجرد ؟ همچنین باید به حرکت انسان و رشد و چگونگی خلقت او توجه کنیم تا ذاتی یا عرضی بودن کرامت انسان مشخص شود. همچنین باید مشخص شود که آیا کرامت یک معنای اضافی است یا نسبی و اینکه این معنا را در قیاس با چه موجود دیگری می‌گیریم.

این استاد حوزه و دانشگاه با نسبی خواندن معنای کرامت گفت: گاه کرامت را با واژه‌های دیگری نیز مانند شرافت تعبیر کرده‌اند. من از زاویه حی بودن و حاضر بودن خداوند متعال و انتقال این ویژگی به مخلوق خود یعنی انسان به‌ ذاتی بودن کرامت او می‌رسم. بنابراین همه انسان‌ها دارای کرامت هستند، فارغ از هر جنسیت، قومیت، ملیت و مذهبی، زیرا صفت خود یعنی حی بودن را در آن گنجانده است. باید اشاره کنم که در مرحله بعدی انسان کرامت اضافی هم نسبت به سایر موجودات مانند حیوانات، گیاهان را دارا هست، اگرچه یکسری کرامت‌های اکتسابی را نیز با تحصیل علم و قضایل اخلاقی به دست می‌آورد.

غرویان در ادامه سخنان خود افزود: اگر فرض را بر این بگذاریم که کرامت انسان به دین است، باید مشخص شود منظور چه دینی است، زیرا همه انسان‌ها به گونه‌ای دیندارند و بنابراین همه آنها واجد کرامت‌اند. یا باید حد و مرز کفر و ایمان را مشخص کنیم، اما این را چه کسی مشخص کند؟ همه ادیان خود و پیروانشان را مؤمن می‌دانند و بر اساس آن تعین می‌کنند که چه کسی باید کرامت داشته باشد و چه کسی نداشته باشد. این نگاه و تفسیرات خشک گاه فاقد منطق و برهان‌های استدلالی محکمی هم هستند و مشکلاتی را ایجاد می‌کنند، لذا باید این دید را به جد تقویت کنیم که همه انسان‌ها دارای کرامت‌اند.

**اصاله الدعوه داریم، اصاله الحرب نداریم**

او در پایان و در رابطه با شبهه بعضی از عالمان دینی کشورهای خارجی با استناد به آیات ‌صریح قرآن و احادیث پیامبر(ص) مبنی بر جهاد و خلط مباحث جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تصریح کرد: اتفاقا ما «اصاله الدعوه داریم و اصاله الحرب نداریم» بنابراین جهاد دفاعی ما هم زمانی است که کرامت انسان را از بین ببرند و حقوق آدمیان را زیر پا بگذارند. در این زمان است که ما برای دفاع از این ارزش‌ها وارد جهاد خواهیم شد، فلذا این جهاد هم خود عین صیانت از کرامت انسانی است.

**محلاتی: در اصالت کرامت انسان با غرویان موافقم**

در ادامه این مناظره، حجت‌الاسلام سروش محلاتی نیز طی سخنانی به تشریح ابعاد کرامت انسان پرداخت. او در ابتدای سخنان خود به طرح این سوال پرداخت که اگر کرامت را ذاتی و برای همه انسان‌ها قائل شویم، باید آن را در مقابل این نظریه بگذاریم که کرامت انسان ناشی از دینداری اوست و کسی که دین خدا را نپذیرد، دارای کرامت نیز نیست. یکی از اساتید بنام حوزه معتقد است انسان خلیفه الله است و سخن خدا را درک کرده و از دستورات او پیروی می‌کند. اگر جای او بنشیند و به جای او تصمیم بگیرد، فرد دیگر خلیفه الله نیست و شامل کرامت هم نمی‌شود.

وی ادامه داد: این بحث از اینجا ناشی می‌شود که آیا منشأ کرامت دین است یا کرامت برای انسان به اضافه دین است یا اینکه تنها برای دین است؟ اگرچه من نیز مانند آقای غرویان به ذاتی بودن کرامت اعتقاد دارم، اما چون او منشأ آن را زندگی نمی‌دانم، بحث ما انسان است. برای فهم کرامت انسان به ما هو انسان و اینکه انسان به معنای انسان بودن چه کرامتی دارد، از نظر من نیاز به مقدمات انسان‌شناسی نیست و باید با توجه به ویژگی‌های انسان کرامت او را نیز تعریف کنیم.

وی افزود: انسان دارای امتیازاتی است. اولا عقل بشر برای او بزرگترین امتیاز را به همراه دارد. ثانیا هر انسانی دارای اصول و مواضعی است که آنها نیز امتیازاتی را به انسان عطا می‌کنند. ثالثا انسان دارای عواطف است. این امتیازات موجد کرامت برای انسان می‌شود که به تبع آن حقوق خاصی را نیز شامل می‌شوند.

**کرامت را خدا به انسان بخشید**

این استاد حوزه علمیه با اشاره به آیه شریفه «وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ...: و به راستى ما فرزندان آدم را گرامى داشتیم»(اسراء/ 70)، تصریح کرد: هر استعدادی برای هر موجودی سندی حقیقی برای اخذ یک حق است. این استعداد‌ها هم در دایره حکمت الهی به این موجودات اعطا شده است. بنابراین قدرت‌ها و استعداد‌های یاد شده بیهوده نبوده و نمی‌توان آنها را از کسی سلب کرد. پروردگار خود کرامت را به او بخشیده است.

از سوی دیگر، او این فرض را که همه انسان‌ها مؤمن‌اند را سست دانست و گفت: اگر خدا می‌خواست همه انسان‌ها مؤمن باشند اراده کفر کردن و گناه کردن را از او سلب می‌کرد، اما خواست خدا بر هدایت انسان‌هاست و احدی نمی‌تواند این اراده را از او سلب کند. اگر در مرحله اول که مرحله‌ای عقلی است و بحث اثبات کرامت در آن مطرح می‌شود، به نتیجه نرسیدیم یا در مرحله دوم که به آیات و احادیث که بر ذاتی بودن کرامت انسانی تا کید دارند، بی‌توجه باشیم، در مرحله سوم بحث زندگی انسان‌ها است. بدون متصور بودن و قائل شدن به کرامت انسان‌ها همزیستی معنای خود را از دست می‌دهد. کسانی هم که اعلامیه حقوق بشر را نوشتند در چنین شرایطی و پس از جنگ جهانی دوم که زندگی انسان به غایت دشواری رسیده بود، به سر می‌بردند.

**دفاع تمام قد مطهری و بهشتی از کرامت انسانی**

سروش محلاتی در پایان سخنان خود با اشاره به تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی و گنجاندن اصل کرامت انسانی در کنار توحید، معاد، نبوت، عدالت و امامت در بند دوم قانون اساسی به عنوان اصول باوری مردم و نظام، تصریح کرد: دفاع شهید بهشتی از کرامت انسانی بدان معنا بود که قانونی که بر خلاف کرامت انسانی باشد، تصویب نخواهد شد. این اصل را شهید مطهری که سرآمد عالمان زمان خود بود، نیز بار‌ها مطرح کرده و از آن به دفاع برخواسته بود. امروزه توجه به این اصول در حال کم‌رنگ شدن است و من آینده روشنی برای دفاع از کرامت انسانی در این مسیر جدید متصور نمی‌شوم.

**آیت‌الله جوادی آملی انسان را از منظر عرفانی خلیفة‌الله می‌داند و نه فقهی!**

در ادامه، غرویان با یادآوری نزدیک بودن مواضع خود به سروش محلاتی در رابطه با ذاتی بودن کرامت انسانی، به نقل قول او از آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی مبنی بر خلیفه‌اللهی انسان اشاره کرد و گفت‌: آیت‌الله جوادی آملی فرض را بر این می‌گذارد که همه انسان‌ها دیندارند و کسی بی‌دین نیست.

وی افزود: او بیشتر با نگاهی عرفانی و نه فقهی به این مسأله نگاه می‌کند و می‌گوید باید آن‌قدر اسلام را توسعه دهیم که همه ادیان را شامل شود. از سوی دیگر ملا صدرا هم وقتی حکمت متعالیه را هم تدوین می‌کرد، می‌گفت همه انسان‌ها دارای فطرت خداجوی هستند و بنابراین همه آنان کرامت دارند.

انتهای پیام/



**در مناظره‌ای علمی مطرح شد**

**تعریف «کرامت انسانی» از نگاه دو استاد حوزه و دانشگاه**

**سرویس: معارف و حقوق - دين و انديشه**

دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۳ - ۱۹:۰۴

مناظره علمی با موضوع «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» عصر روز دوشنبه با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین غرویان و حجت‌الاسلام والمسلمین سروش محلاتی از استادان حوزه و دانشگاه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا)، در ابتدای این نشست**حجت‌الاسلام والمسلمین غرویان** با بیان این‌که «هدف از این مناظره یک بحث علمی است» اظهار کرد: ما نمی‌توانیم بحث کرامت را تنها با آیات قرآنی بیان کنیم؛ چراکه در دنیا کسانی هستند که آیات قرآن را قبول ندارند، ما اگر می‌خواهیم کرامت انسانی را از منظر آیات قرآنی بیان کنیم باید این آیات را تفسیر و بحث فلسفی در مورد آن‌ها داشته باشیم.

وی در ادامه با بیان این‌که «مهم است که بدانیم کرامت انسانی ذاتی است یا اکتسابی» گفت: این‌که کرامت انسان از چه نوعی است نیازمند تفسیر است؛ در دین اسلام و سایر ادیان از کرامت انسانی تفسیرهای مختلفی ارائه می‌شود. ما باید این تفسیرها را بپذیریم و بدانیم که قرائت‌های مختلف در مورد کرامت انسانی وجود دارد اما این‌که کدام یک از آن‌ها برای خود برگزینیم بستگی به استدلال و برهان ما از کرامت انسانی دارد. دنیای امروز دنیای استدلال است و ما هم باید با استدلال‌ها پیش برویم.

وی تصریح کرد: در کرامت انسانی تحلیل‌های لغوی و اصطلاحی لازم است؛ مراد از فلسفه هستی شناسی و نگاه انسان به عالم هستی است و در بحث کرامت انسانی هم ما باید یک تعریف ارائه بدهیم.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: ملاصدرا فیلسوف انسانی نظریه کرامت و کتاب «جسمانیه الحدود و روحانیه البقا» را ارائه می‌دهد و در آن مطرح می‌کند که جسم بر روح مقدم است. ابن سینا نظریه دیگری دارد که می‌گوید روح انسان از جای دیگر حلول می‌کند. این‌که می‌گویم باید از کرامت انسانی تعریف داشته باشیم یعنی این‌که مشخص شود کرامت ذاتی است یا اکتسابی. برای این‌که این امر مشخص شود در دنیای امروز چاره‌ای نداریم جز این‌که مباحث مختلف را بررسی کنیم و آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار بدهیم.

وی تاکید کرد: کرامت یک مفهوم نسبی دارد. ما کرامت را می‌توانیم نسبت به سایر موجودات مقایسه کنیم. برای روشن شدن بحث وقتی می‌گوییم انسان ذاتا کرامت دارد یعنی این‌که انسان نسبت به چه چیزی کرامت دارد. آیا کرامت انسان نسبت به خداوند، نباتات و جمادات است و یا نسبت به سایر موارد هم کرامت و بزرگی دارد؟

وی ادامه داد:‌ بنده معتقدم تمامی انسان‌ها یک کرامت ذاتی دارند؛ چراکه خداوند وجود خود را در انسان متجلی کرده و آن صفت حی و حیات است؛ بنابراین تمام انسان‌ها کرامت دارند و پس از آن در مرحله پایین‌تر حیوانات هم همین گونه هستند.

غرویان در ادامه با اشاره به نگاه مقایسه‌ای انسان‌ها در کرامت اظهار کرد:‌ در برخی منابع دینی وارد شده که انسان در مواردی می‌تواند به حدی پایین بیاید که حتی از چهارپایان هم کمتر شود و این یک بحث نسبی است که مطرح می‌شود. کرامت اکتسابی در آن‌جایی مطرح می‌شود که انسان‌ها علم و فضایل اخلاقی را کسب می‌کنند و جاهل نمی‌مانند.

به گزارش ایسنا در ادامه این مراسم **حجت‌الاسلام والمسلمین سروش محلاتی** نیز با بیان این‌که «در بررسی و تفسیر کرامت انسانی چند مشکل وجود دارد» اظهار کرد: اگر کرامت انسانی کرامت ذاتی است پس همه انسان‌ها از نظر برخورداری از این کرامت مشترک هستند و جنسیت، دین و اقلیت و ملیت هیچ تاثیری در برخورداری از این کرامت ندارد و انسان‌های فاقد دین هم دارای کرامت هستند؛ چراکه کرامت امری ذاتی است.

وی در عین حال با بیان این‌که « اما اگر به کرامت ذاتی معتقد نیستیم مسائل دیگری مطرح می‌شود» تصریح کرد: آن‌چه امروز در جامعه ما مطرح می‌شود این است که کرامت ناشی از دین‌داری است و کسی که دین حق را نمی پذیرد و دین‌دار نیست یعنی کرامت ندارد. مبحثی که بنده می‌خواهم مطرح کنم در مورد این دو مورد است.

وی با اشاره به دیدگاه یکی از عالمان جامعه در رابطه با کرامت انسانی نیز گفت: یکی از عالمان در کتاب‌های خود می‌نویسد انسانی خلیفه الله است که حرف خدا را بفهمد و به آن‌چه که خدا می‌گوید عمل کند. اما اگر جای او بنشیند و حرف خودش را بزند این فرد خلیفه الله نیست و شامل کرامت انسانی نمی‌شود. تمام بحث من این است که کرامت انسانی در دین است یا نه. یعنی می‌خواهم بگویم کرامت به علاوه دین یا غیر دین سایر افراد هم دارای کرامت هستند.

این استاد حوزه و دانشگاه تاکید کرد: اولین مطلبی که باید بدانیم این است که آیا انسان نسبت به سایر موجودات دیگر امتیاز دارد یا نه؟ عقل، اراده ، احساسات ، عواطف و گرایش وجودی انسان برای انسان امتیاز است یا نه؟ این‌ها اصول موضوعه‌ای است که در کرامت انسانی باید مورد توجه قرار گیرد. باید بدانیم که آیا این امتیازات موجب کرامت می‌شود یا نه؟ ما بر این معتقدیم که هر استعدادی که در وجود انسان است برای او حقی را به وجود می‌آورد. چون انسان حق فکر کردن دارد و چون خداوند به او قدرت داده این استعداد در انسان است. خداوند این قدرت را بیهوده در اختیار انسان قرار نمی‌دهد. وقتی خداوند به انسان قدرت فکری و عقلانی داده خود این موضوع حق کرامت می شود.

وی تاکید کرد: اگر خداوند می‌خواست همه انسان‌ها را مومن خلق می‌کرد ولی دیگر در اینجا اراده معنایی نداشت. دلیل این‌که خداوند انسان‌ها را با اراده خلق کرده این است که کسی حق از بین بردن اراده آن‌ها را ندارد. مبنای کرامت و رابطه کرامت با حقوق انسانی است. خداوند در قرآن می‌فرماید لقد کرمنا بنی آدم یعنی به تمام انسان‌ها کرامت داده‌ایم. نه فقط به مسلمانان و مومنان. اگر ما نه در مرحله اول که مرحله عقلی است به نتیجه نرسیدیم و در بحث دوم که مربوط به آیات است باز هم به نتیجه نرسیدیم آن وقت به مرحله سوم می‌رسیم و آن این است که انسان‌ها می‌خواهند زندگی کنند و بدون قبول کرامت عام برای تمام مسلمانان امکان همزیستی وجود ندارد.

وی گفت: آن‌هایی که اعلامیه حقوق بشر را نوشته‌اند به دنبال یک راه حل علمی بودند. در جنگ جهانی اول انسان به سطوح آمده بود و در آنجا به کرامت انسانی پناه بردند.

در ادامه **غرویان** نیز با بیان این‌که «خیلی از مطالبی که استاد سروش مطرح کردند بنده هم به آن‌ها معتقد هستم» گفت: آن‌چه‌ در جهت کرامت مطرح می‌شود مساله دین است؛ یعنی آیا اگر انسان دین‌دار و مومن باشد کرامت دارد یا نه؟ مومن و غیرمومن هر دو کرامت دارند. استدلال آیت‌الله سروش به آیه لقد کرمنا بنی آدم بود. در کل اگر بخواهیم به این مطلب توجه کنیم ما در دنیا انسان بی‌دین نداریم. نگفته‌ایم دین خاص مثلا اسلام، مسیحیت،‌یهود و یا سایر ادیان.

وی تاکید کرد: منظور استاد سروش در بیانات خود، کتاب آیت‌الله جوادی آملی بود. استاد در این کتاب این مطلب را بیان می‌کند که همه انسان‌ها دین‌دارند و کسی بی دین نیست. و یا این‌که ما آن قدر باید اسلام را توسعه بدهیم که این دین شامل همگان بشود. وقتی ملاصدرا کتاب صدرالمتالهین را می‌نویسد یعنی تمام انسان‌ها به لحاظ فطرت خداوند را قبول دارند به همین دلیل همه انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند.

غرویان در پاسخ به این سوال که آیا از این کرامت بالقوه سطح قابل قبولی از آرا برای همه انسان‌ها وجود دارد یا نه ؟ گفت: با این نگاه یک حقوقی برای همه انسان‌هاست. ما تصویرهای متفاوتی از اسلام داریم و حقوقی برای همه انسان‌ها قائل هستیم. در جایی به ما می‌گفتند که آیا شما می‌توانید برای گسترش دین اسلام به هر سرزمینی حمله کنید به بهانه این‌که می‌خواهید دین اسلام را به آن‌جا ببرید؟ در پاسخ به این سوال بنده عرض کردم ما در دین اسلام دو نوع جهاد داریم در جهاد ابتدایی هم به نوعی به شکل دفاعی عمل می‌کنیم یعنی اگر در گوشه‌ای از جهان به حقیقت،‌عدالت و یا امانت ظلم شود ما وظیفه داریم که به آن‌جا برویم و از این اصول حمایت کنیم. در همین جهاد ابتدایی هم وظیفه اولیه ما دعوت است و بعد اگر دیدیم کار باریک‌تر شد اجازه کارزار برای دفاع از خود داریم.

**سروش محلاتی** نیز در پاسخ به این سوال که دلیل چیست که کرامت به عنوان یک اصل اجتهادی در فقه مورد توجه قرار نمی‌گیرد؟ اظهار کرد: در ابتدا می‌خواهم نقدهایی به صحبت‌های آقای غرویان داشته باشم. من در این جلسه نمی‌خواستم از شخصیتی نام ببرم ولی آیت‌الله جوادی آملی که طبق صحبت‌های آقای غرویان بنده به صحبت‌های ایشان استنباط کردم در کتاب خود می‌گویند مردم باید حرف مستخلف له را بفهمند و آن را اجرا کنند. منظور ایشان آن دین فکری است بلکه دین به معنای واقعی کلمه است. نکته بعدی این‌که اصلا ایمان ملاکی برای کرامت ذاتی نیست. اگر بناست ایمان کرامت ذاتی باشد چرا اجنه را مشمول کرامت نمی‌بینیم.

وی ادامه داد: این‌که آقای غرویان دفاع از حقیقت را در جهاد ابتدایی مطرح کردند ملاک در این جهاد تشخیص توحید است؛ چرا ما برای خود و سایرین ملاک تشخیص حقیقت باشیم. آن‌ها هم می‌توانند حرف ما را بزنند. در این‌جا همان سخن حضرت علی(ع) به امام حسن(ع) مطرح می‌شود که ایشان می‌فرمایند هرآن‌چه را برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هر آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم مپسند. ما باید در جهاد ابتدایی هم به یک منطق مشترک برسیم.

غرویان در پایان با ارائه مجدد دیدگاه خود درباره کرامت انسانی گفت: جامعه و علمای ما دارند به سمتی می‌روند که به نوعی فتواهای خود را با جهان هماهنگ می‌کنند. در گذشته می‌گفتند که کفار ناپاک هستند ولی امروز علما می‌گویند که کفار اهل کتاب پاک هستند. در این گونه مباحث این امیدواری را می‌دهم که در آینده شاهد فتواهای کاربردی و به روزتری هستیم.

انتهای پیام



#### در مناظره ای علمی مطرح شد؛

## غرویان: تمامی انسان ها یک کرامت ذاتی دارند/ سروش محلاتی: کرامت به علاوه دین یا غیر دین سایر افراد هم دارای کرامت هستند

### سروش محلاتی: ایمان ملاکی برای کرامت ذاتی نیست

کد خبر: 68879 | تاریخ خبر: 08/10/1393

[نسخه چاپی](http://jamaran.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=69525) | [ارسال به دوستان](javascript:void(0))

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران - تهران

مناظره علمی با موضوع «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» عصر روز دوشنبه با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین غرویان و حجت‌الاسلام والمسلمین سروش محلاتی از استادان حوزه و دانشگاه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



مناظره کرامت انسانی از دیدگاه اسلام؛

## محلاتی: انسان به ماهوانسان دارای کرامت است/ غرویان:کرامت نسبی است

[[](http://media.mehrnews.com/d/2014/12/29/4/737914.jpg?ts=1419944994284)](http://media.mehrnews.com/d/2014/12/29/4/737914.jpg?ts=1419944994284)

شناسهٔ خبر: 2452082 سه‌شنبه ۹ دی ۱۳۹۳ - ۱۰:۳۲

[دین و اندیشه](http://www.mehrnews.com/service/Religion-Thought) > [همایش ها و میزگردها](http://www.mehrnews.com/service/Religion-Thought/Conferences)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میزبان محسن غرویان و محمدسروش محلاتی در مناظره ای با عنوان کرامت انسانی از دیدگاه اسلام بود.

به گزارش خبرنگار مهر، پژوهشگاه علوم انسانی میزبان آیت الله محسن غرویان و حجت الاسلام محمدسروش محلاتی در مناظره ای با عنوان کرامت انسانی بود.

مجری این میزگرد در ابتدا گفت: در زمانی که کرامت انسان برای همه مهم است ما در زمانه ای این جلسه را برگزار می کنیم که همه مدعیان در دنیا تلاششان براین است که خودشان را مدافع حقوق بشر و منادی و مدافع کرامت انسان معرفی می کنند و دلیل آن هم این است که اگر بتوانند خودشان را اینگونه معرفی کنند بهتر می توانند نظر مخاطبان را هم جهت خودشان بکنند. و در سطح جهان بودجه های سنگین می شود که خودشان را مدلل جلوه دهند.

در زمانه ای این جلسه برگزار می شود که فقه ما و حکومتی که داعیه اسلامی دارد در این کشور رواج دارد و لازم است که مباحث کرامت انسانی در عملکرد ها و اندیشه ها دیده شود. بنابراین اقتضای آن را دارد که اینگونه مباحث بیشتر مطرح شود. امروزه درباره کرامت انسان و حقوق آن تحقیقات بسیاری شده است. به فرض مثال در کمیسیون ۲۰۱۰ تحقیقات و کتاب های بسیار زیادی در این باره نوشته شد. تلاش بسیار جدی شده است که کرامت انسانی را بنیان همه حقوق انسان قید کنند. در موارد رفع تزاحم و تعارض بین حق ها باز بحث کرامت انسانی مطرح است.

ما در اینچنین زمانه ای این بحث ها را مغتنم می شماریم. هم به لحاظ اثبات کرامت انسان و هم به لحاظ دامنه کرامت ذاتی که تا چه مقدار به آن قائل هستند. کرامت اکتسابی چه نقشی ایفا می کند؟ و سوال هایی از این قبیل که همه می توانند نتایج کاربردی داشته باشند.

غرویان: به نظرم در اینگونه مباحث راهی جز اینکه شروع فلسفی داشته باشیم نداریم. من نمی توانم از بحث کرامت انسانی از یک آیه قرآن یا یک حدیث شروع کنم و فرض را بر این بگیرم که در دیگر جاهای دنیا تعبدی بر آیات و احادیث ما دارند. می توانیم از یک آیه و روایت استفاده کنیم و از آن تحلیل کنیم. اما صرف اینکه یک آیه یا روایت بخوانیم و انتظار داشته باشیم که طرف متعبد باشد این معقول نیست. پس در این زمینه این بحث را باید از یک مبحث فلسفی و انسانی شروع کرد.

احادیث و قرائت های مختلف در این زمینه وجود دارد. بنده معتقدم باید این قرائت های مختلف را بپذیریم چرا که این ها اجتناب ناپذیر است. نمی توانیم از زیر بار واقعیت پلورالیزم و کثرت قرائت ها بگریزیم و آنها را انکار کنیم. اما آنکه کدام را می پذیریم بستگی به قوت استدلال ما دارد که استدلال برکدام قرائت قوی تر است. چرا که دنیای امروزی دنیای استدلال و برهان است. ما هم باید استدلال و برهان بیاوریم.

اما ابتدا در این بحث ما باید معنای کرامت را به عنوان یک کلید واژه روشن کنیم و همچنین اینکه می گویم بحث فلسفی، مرادم از بحث فلسفی چیست؟ فلسفه را به هستی شناسی تعریف کرده اند. با نگاه کلان انسان به عالم هستی، فیلسوف کسی است که بربام هستی می ایستد و بحث ها را نظاره می کند. دنیا، حیات و ... در فلسفه همه اینها را فیلسوفان مطرح می کنند. در بحث کرامت انسان هم اگر بخواهیم فیلسوفانه وارد شویم، باید یک تعریف فیلسوفانه مطرح کنیم که آیا انسان یک موجود مجرد است؟ یا یک موجود دو بعدی و چند ساحتی؟ حرکت انسان، رشد انسان ترکیب روح و بدن و خلقت انسان همه اینها نگاه های فلسفی است.

نظرات ارسطو، افلاطون و... در طول تاریخ تا حال حاضر همه اینها دنیایی است از آراء و نظرات درباره نفس و حقیقت انسان. مستحضرید، ملاصدرا نظریه کرامت و «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا» را ارائه می‌دهد و معتقد است که بدن بر روح انسان مقدم است. ابن سینا هم همینگونه است. ارسطو نظرش این است که روح قبل از بدن است و بعد در بدن حلول می کند. شروع فلسفی مورد نظرم این است یعنی باید وارد اینگونه بحث ها بشویم تا بعد عرضی آن روشن شود. چرا که اینها زیربنای علوم انسانی هستند. معنای کرامت را باید بحث کرد که آیا این یک مفهوم نسبی و اضافی است یا یک مفهوم نفسی دارد.

منظور این است که آیا این نسبت به سایر موجودات است یا نسبت به موجودات دیگر بحث نمی کنیم؟ به نظرم کرامت یک معنای نسبی دارد. اما به نظرم برای روشن شدن بحث وقتی می گوییم انسان یک موجود کریم است نسبت به چه چیزی کرامت دارد؟ نسبت به خداوند؟ جمادات؟ نباتات؟ این بحثی است که لازم است تدقیق شود.

ما نگاهی که به بحث کرامت می توانیم داشته باشیم تا کرامت ذاتی را تقویت کنیم این است که خداوند حی است و انسان هم حی است و حیات انسان تجلی حیات خداوند است. انسان اشراف احیا و شریفترین موجودات زنده است و این حیات او تجلی نفخت فیه من روحی است که خداوند فرموده است.

بدین معنی انسان ها همه یک کرامت ذاتی دارند برای اینکه خداوند یکی از صفات خودش را در انسان متبلور کرده است. بنابراین با این نگاه می شود برای همه انسان ها یک کرامت ذاتی قائل شد. همچنین برای تمام حیوانات ونباتات هم به درجات می توان نفس قائل شد. به این اعتبار می توان کرامت را کرامت ذاتی تفسیر کنیم و گفت همه انسان ها کرامت ذاتی دارند.

اما نگاه دیگر این است که انسانها کرامتی نسبت به موجودات و نباتات دارند که یک کرامت اضافی و نسبی است و در همین جاست که این کرامت مرتبه دارد. کرامت اکتسابی در آنجایی مطرح می شود که انسانها تحصیل می کنند. فضائل اخلاقی را اکتساب می کنند و برخی هم جاهل می شوند. از نگاه فضایل و رذایل یا ایمان و کفر هم می توانیم به بحث کرامت انسانی وارد شویم.

سروش محلاتی: سخنان من از دو بخش تشکیل می شوند. نکته اول سعی می کنم نظریه مختار و مورد قبول خودم را تبیین و اثبات کنم. نکته دوم نقدهایی که به نظرم نسبت به نظریه رقیب وجود دارد را مطرح کنم.

 اما سمت و سوی بحث به گونه ای پیش رفت که فکر می کنم از مقدمات بعیده شروع کردیم و فکر می کنم  مقدمات بعیده ما را به جایی نمی رسانند.

اگر کرامت انسانی کرامت ذاتی است پس همه انسان‌ها از نظر برخورداری از این کرامت مشترک هستند و جنسیت، دین  و ملیت هیچ تاثیری در برخورداری از این کرامت ندارد و دخالتی در آن ندارد. انسان‌های فاقد دین هم دارای کرامت هستند؛ چراکه کرامت امری ذاتی است. به همان میزانی که شخص دیندار از کرامت ذاتی برخوردار است شخص غیر دیندار هم برخوردار است.

اما اگر به کرامت ذاتی معتقد نباشیم و معتقد نباشیم که کرامت برای انسان ناشی از دینداری است و کسی که دین حق را نمی پذیرد برخوردار از کرامت نیست، خیلی نیاز نیست که موضوع و دامنه آن را گسترده بگیریم که در نتیجه گیری دچار مشکل شویم.

آن‌چه امروز در جامعه ما مطرح می‌شود این است که کرامت ناشی از دین‌داری است و کسی که دین حق را نمی پذیرد و دین‌دار نیست یعنی کرامت ندارد. مبحثی که بنده می‌خواهم مطرح کنم در مورد این دو مورد است. دو دیدگاه در جامعه ما وجود دارد. یکی می گوید ارزش انسان در خلیفه الهی است و اینکه او بفهمد خدا چه می گوید و ثانیا دستورات آن را اجرا کند اما اگر به جای آن بنشیند و نان آن را بخورد و حرف خود را بزند آن‌موقع کالانعام می شود.

کرامت برای خلیفه الله است و اگر نافرمانی شود کالانعام می شود. کرامت انسان برای دیندار و دین پذیر است و منشأ انسان دین است. این دید گاهی است که از آن به عنوان دیدگاه رقیب نام می برم که معتقد است کرامت برای دین است نه برای خود انسان.

اما آنچه که در اثبات آن کرامت ذاتی البته نه به آن نحوی که آقای غرویان مطرح کرده اند که منشأ آن حیات و زندگی باشد نه مقصودم آنقدر گسترده و وسیع نیست ما از بحث کرامت انسان بحث می کنیم و امتیاز انسان را در آن می بینیم.

کرامت انسانی چرا؟ انسان به ماهو انسان دارای کرامت است نه انسان به ماهو حی. انسان از جهت انسان بودن چه کرامتی دارد؟ انسان به هر مقیاس می خواهید بگیرید فرقی نمی کند. بالاخره انسان کرامت پیدا می کند و نیازی هم به آن بحث های انسان شناسی نیست. انسان نسبت به انسان دیگر و موجودات دیگر چه امتیازاتی دارد؟ عقل انسان امتیازی برای او هست یا نیست؟ عواطف و احساسات چگونه؟ همه اینها را به عنوان اصول موضوعه مطرح می کنیم که آیا اینها برای انسان امتیاز هستند یا نه؟

آیا برای انسان با این امتیازات کرامتی ایجاد می شود که به تبع آن حقوق خاصی برایش ایجاد شود؟ این مسئله را هم از جنبه عقلی و هم نقلی می توان بررسی کرد.

از نظر عقلی خود این امتیازات موجب کرامت است که ما بر این اعتقاد هستیم که هر استعداد در یک موجود سند طبیعی برای یک حق است و هر استعدادی منشأ برای یک حق است چرا انسان حق فکر کردن دارد چون خداوند قدرت فکر کردن به او داده است. خداوند بیهوده این قدرت را در اختیار انسان قرار نداده است. هم قدرت فکر کردن داده باشد و هم بگوید آن را قفل کنید این با حکمت خداوند هماهنگ نیست وقتی که خداوند یک قدرت را به انسان داده است خود این قدرت منشاء یک کرامت می شود.

خداوند به انسان اراده داده و به دیگران حتی انبیاء گفته است که آن را سلب نکنید و اگر کسی آن را سلب کند این با حکمت خداوند همخوان و هماهنگ نیست. خداوند می گوید من نخواستم و نکردم که همه را هدایت کنم و همه را مسلمان و یا دیندار کنم و بعد از آن که این را می گوید که من نکرده ام آیا تو می خواهی آن را اجرا کنی این اراده باید پا برجا بماند.**«وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لاَمَنَ مَن فىِ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَ فَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتىَ‏ يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ»: اگر پروردگار تو بخواهد، همه كسانى كه در روى زمينند ايمان مى‌آورند. آيا تو مردم را به اجبار وامى‌دارى كه ايمان بياورند؟**سئوالی که اینجا مطرح است این است که آیا حد و مرزی در اینجا وجود دارد چه کسی این را قبول ندارد و آن یک بحث ثانوی است.

در قدم اول مبنا و در قدم دوم رابطه و در قدم سوم حقوق برخاسته از کرامت انسان دارای چه محدودیت هایی است؟ اگر کسی این را بپذیرد و برای آن یک مبنای عقلی قائل باشد و اگر کسی نپذیرد و دلش به آیات و احادیث قرص باشد به او باید گفت بنی آدم را ما کرامت دادیم و این آیه قرآن است که بنی آدم را ما کرامت داده ایم و نه بخشی از انسانها که دیندار هستند. شما نمی توانید یا ایها الناس را به یا ایها الذین آمنوا محدود کنید و در ادامه آیه هم عموم و شمول را نشان می دهد.

اگر کسی این استدلال را نپذیرد باید گفت که این تفسیر المیزان است و علامه طباطبایی در آن گفته است که کرامت حتی شامل کفار هم می شود. ما انسانها در اینجا می خواهیم زندگی کنیم آیا امکان همزیستی بین انسانها را به‌وجود آورده ایم؟ اگر معنای کرامت انسان را هم کنار بگذاریم، آنهایی که نشستند و حقوق بشر را نوشتند آنها از نگاه فلسفی در صدد اثبات این مبحث نبودند بلکه آنها در پی اثبات کرامت انسانی بودند که جنگ جهانی دوم آنها را به بن بست رسانده بود. چیزی که در عمل برای انسانها مشکل زا است و نمی توان آن را به اسلام نسبت داد. اصلا تجربه بشری یکی از ملاک هایی است که چه چیزی را به اسلام می توان یا نمی توان نسبت داد.

غرویان: حدس بنده این است که فرمایشی که نقد شد فرمایش آیت الله جوادی آملی است. من می خواهم هم همراهی کنم و هم از آیت اللهی جوادی دفاع کنم. بسیاری از مباحثی که استاد سروش مطرح کردند بنده هم معتقدم آنچه در بحث کرامت مطرح است مسئله دین است که آیا انسان اگر دیندار باشدکرامت دارد یا نه. استدلال ایشان بر لقد کرمنا بود یعنی همه انسانها را دربر می گیرد و معتقد است که همه انسانها دیندارند و هیچ انسانی پیدا نمی شود که دین نداشته باشد و دین خاصی را نگفته ایم. این دین اگر مراد باشد آن موقع شامل همه انسانها می شود و شاید منظور آیت الله آملی این است که انسان به اعتبار ایمان و تدینش است که کرامت دارد. آیه دیگری به ذهنم آمد و آن این است که ان الدین عند الله الاسلام.

اسلام را باید گسترش دهیم که همه انسانها مسلمان شوند. انسان موجود زنده متأله است یعنی کسی که معبود و الله را قبول دارد. اگر انسان را این گونه تعریف کردیم همه انسانها مومن و متدین می شوند و همه دارای کرامت ذاتی می شوند. بنابراین ما اینجا به ناچار وارد بحث دیگری می شویم و آن معنای کفر و ایمان است. یک کفر و ایمانی است که فقه و فقها تعریف می کنند. مثلاً بعضی فقها ایمان را مساوی با تشیع گرفته اند که در شرح لمعه مومن یعنی شیعه. بعضی مومن را مسلمان می گویند یعنی غیر مسلمان را کافر می دانند.

نگاه فقهی با نگاه وسیعتر و غیرایدئولوژیک این است که همه انسانها خدا شناسند اما خودشان نمی دانند. آیت‌الله آملی در کتاب خداشناسی این بحث را مطرح کرده اند که همه انسانها خداشناسند، یعنی ایمان قلبی دارند، اما علم به علم ندارند. اگر ما این نگاه را داشته باشیم پس همه انسانها ایمان دارند، اما نمی دانند و به لحاظ آن ایمان نظری که به مبدأ دارند کرامت ذاتی دارند و ملاک آن کرامت ذاتی ایمانشان است. یعنی بالقوه به تعبیری می توانیم بگوییم همه مومن هستند و کرامت ذاتی دارند. این بحث را هم باید مطرح کنیم که کفر و ایمان را چه کسی تعریف می کند.

همه افراد خودشان را مومن می دانند. چه کسی می تواند حد و مرز ایمان و کفر را مشخص کند و بر اساس آن ما بگوییم که چه کسی مومن و چه کسی غیر مومن است و بر اساس آن چه کسی کرامت دارد یا ندارد؟ ما نمی توانیم خودمان را قاضی بدانیم برای همه انسانها و بعد بگوییم هر حرفی غیر از حرف من کفر است و کسی که به آن قائل نیست پس کرامت ندارد.

\*از این کرامت بالقوه که برای انسانها قائلید آیا سطحی از حقوق هم برای انسانها از آن بیرون می آید؟

غرویان: بنده اعتقاد دارم که با این نگاه حقوقی برای همه انسانها نتیجه می شود. به هر حال ما تفسیرهای متفاوت و مختلف از اسلام داریم. همان‌طور که اشاره کردم نگاههای مختلفی هم در این زمینه وجود دارد، بنابراین کلیت حرف بنده این است که حقوقی برای همه انسانها قائل هستم. در کنفرانسی در ژاپن از من سئوال شد که توجیح‌تان از اینکه شما جهاد ابتدایی دارید چیست؟ گفتم که ما جهاد ابتدایی نداریم تحلیل ما از جهاد ابتدایی چیز دیگری است، یعنی دفاع از حقیقت است، دفاع از انسانیت و ارزش های انسانی و کرامت های انسانی است و معنای آن این است که اگر در یک گوشه ای از جهان به حیثت انسان تجاوز شود (توحید، ارزشهای اخلاقی...) به ارزشهای عام انسانی ظلم شود ما مسئولیت داریم که با متجاوز وارد کارزار شویم و اول کارزار هم دعوت است و بعد از آن گفتگو می شود پس ما اصالت الحرب نداریم بلکه اصالت الدعوت داریم اما وقتی دیدیم که کار به جاهای باریک رسید وارد جهاد می شویم.

سروش محلاتی: اولاً آنچه را که آقای جوادی آملی می فرمایند با این توجیهاتی که آقای غرویان فرمودند قابل توجیه نیست که همه انسانها دیندار هستند، چون تصریح کردند آنگاه که انسان خلیفه است که حرف خدا را بفهمند و ثانیا آن را اجرا کند. آیا مردم هند و چین حرف خدا را می فهمند و اجرا می کنند؟ حرف ایشان به همه انسانها نیست، نگاهی که ایشان به مسئله دارند قابل توجیه نیست. ملاک همان دین فطری است. دین فطری دین بالقوه است نه دین بالفعل. شما افرادی که بالفعل کافر هستند می گویید که بالفطره در وجودشان دین است. ما می خواهیم کرامت بالفعل را اثبات کنیم و احکام بالفعل را با احکام بالفطره اثبات کردن چیزی به دست نمی آید. این مشکلی را حل نمی کند.

نکته دیگر این است که اصلاً ایمان ملاکی برای کرامت ذاتی نیست، اگر بناست بر اساس ایمان کرامت ذاتی تعریف شود چرا شما اجنه را دارای کرامت نمی دانید؟ چرا که آنها هم در بینشان مسلمان وجود دارد. چرا بحث را روی ملائکه نمی گذارید؟ شما باید امتیاز انسان را نشان بدهید. اگر از امتیازات انسان مایه بگذارید، اینجا مسئله کرامت انسان جایگاه خودش را پیدا می کند. مشکل چهارم، تکلیف افرادی که دین و ایمان ندارند چه می شود؟ جواب آقای غرویان این است که ما درباره دین و دیگران نباید قضاوت کنیم. این مطلب اگر گفته شود باید در همه جا گفته شود، چرا جاهای دیگری که می رسید، احکام کفر را مترتب می کنید. به فرض مثال ازدواج با کافر جایز نیست. آنجا می گویید کفر قابل شناسایی است و اگر کسی شهادت ندهد کافر است اما اینجا که می رسید می گویید همه انسانها مومن هستند و آن هم ایمان بالفطره.

نکته دیگر این است که ما در جهاد ابتدایی دفاع از حقیقت می کنیم. آقای غرویان مثالی زدند که دفاع از توحید بود. اگر یکی پیدا شود و تشخیص او از تشخیص ما متفاوت باشد چرا فهم ما برای حقیقت ملاک باشد؟ همه مردم عالم حقیقت را باید از ما بیاموزند در صورتی که آنها هم حرفشان این است که ما هم حقیقتیم و اگر حقیقتی که ما می گوییم نپذیرید باید جنگید. هیچ چیزی را با نام حقیقت یا غیر حقیقت نمی توانید نشان بدهید که به این نزاع خاتمه دهد و اگر ما گفتیم طرف مقابل نمی تواند به آن رجوع کند. آن منطقی که امیرالمومنین به فرزندش می گوید را باید اجرا کرد. فرزندم خودت را میزانی بین خود و غیر قرار بده و آنچه را برای خود می پسندی برای دیگری بپسند و آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگری هم نپسند.

ما باید یک منطق مشترک پیدا کنیم و هر کسی که حقیقت را به تشخیص ما نمی شناسد او را می کشیم. بفرمایید این منطق چه فرقی با منطق داعش دارد؟ به نظرم اختلاف بنده با آقای غرویان اختلافی جدی است. ما در یک مسیری قرار گرفته ایم که این مسیر آینده روشنی ندارد. در سال ۱۳۵۷ انقلاب ایران به رهبری امام به پیروزی رسید و بعد از ۵ ماه مجلس قانون اساسی تشکیل شد. شخصیت اول جامعه ما از نظر فکری و علمی در آن موقع شهید مطهری بود. در همان موقع شهید بهشتی را داشتیم ما آن موقع وقتی کتابهای اینها را می خواندیم به سهولت از کرامت ذاتی انسان بحث می کردند. ما با این سرمایه تا انقلاب آمدیم مجلس خبرگان که تشکیل شد در پیش نویس قانون اساسی بحث کرامت انسان نبود. شورای انقلاب به کمک و اصرار شهید بهشی آن را تصحیح کرد و اصل دوم  را با شش ماده به آن اضافه کرد و در آن کرامت انسان را گنجاند. این اصل را به عنوان پایه پذیرفته ایم و در مجلس بحث شد و تصویب شد که هیچ قانونی از کرامت انسانی عدول نکند و چنانچه مخالف کرامت انسانی بود تصویب نشود.

بعد از یکی، دو دهه به اینجا هبوط کردیم که هر کسی که دین دارد کرامت هم دارد و اگر دین نداشته باشد کرامت ندارد. آقای جوادی آملی در کتاب نظریه حقوقی اسلام که متن سخنرانی های قبل از خطبه ایشان هستند ملاک کرامت حقوقی را تن دادن به نظام جمهوری اسلامی می داند و به صراحت می گوید که کسی که معتقد به آن نیست کرامت ندارد. این مسیری است که ما داریم می پیماییم و امید دارم که به جاهای خطرناکی نرسد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و در آیه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» می گوید که مربوط به تقوایی است که خداوند آن را مطرح می کند و ربطی به مسائل اجتماعی ندارد. اولا کرامت ذاتی از نظر مبانی اسلامی قابل دفاع است. ثانیا اگر قابل دفاع نباشد باید آن را جایگزین و معرفی کنیم. ثالثا جریان عمومی بحث کرامت در جامعه ما دچار چالش است و متفکران باید آن را حل کنند و پاسخ روشن برای آن داشته باشند و بگویند مبنای‌مان چیست و چگونه عمل کنیم. اینها مطالبی است که وجود دارد و نمی توان آنها را نادیده گرفت.

غرویان: من چندین سال پیش نقدکردم و از مجموعه‌ای که آنجا بودم بیرون آمدم. پس عملا بنده از استاد سروش جلوترم و حتی خواستند که آزادی تفکر را از من بگیرند. راهی که ما داریم می رویم پایانش معلوم نیست که استاد سروش با نگاهی یاس آلود به آن نگاه کرده اند و آن را فرمودند نه شرایط زمان، علما و فقهای ما را به سمتی می برد که به هر حال به طور ناخودآگاه یک سری از واقعیت های جهان امروز را می پذیرند و فتاوای آنها تغییر می کند. من از بیرون که فتواهای آنها را رصد می کنم فقهای ما وادار می شوند که فتواهای جدید بدهند. الان اکثر فقها می گویند کفار اهل کتاب پاکند و اصلشان هم بر پاکی ذات است. مثال دیگری این است که نماز خواندن در بین نماز جماعت اهل سنت مشکلی ندارد. من این را به شما نوید می دهم که در آینده فتاوای دیگری را شاهد خواهیم بود، چون ضرورت های زمان اقتضا می کند که فتواها تغییر کنند اما باید بگویم که آیت الله آملی دو نگاه دارند. نگاههای عرفانی با نگاه فقهی که اینها با هم متفاوتند. آیت الله آملی در بعضی از نظراتشان نگاهشان عرفانی است در بعضی جاها نگاه فقهی و ایدئولوژی دارند که اینها را باید توجه کرد.

انتهای پیام/



در مناظره «جایگاه کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» مطرح شد

# «خلیفه خدا» وقتی کرامت دارد که از خدا اطاعت کند، نه هنگامی که جای خدا بنشیند

## خبرگزاری تسنیم: حجت‌الاسلام سروش محلاتی گفت: انسان آن‌گاه خلیفه الله است که حرف مستخلف عنه را بفهمد و آن را اجرا کند. وقتی انسان جای مستخلف عنه بنشیند و حرف خودش را بزند، کرامت ندارد

به گزارش خبرنگار فرهنگی [خبرگزاری تسنیم](http://www.tasnimnews.com/)، مناظره کرامت انسانی از دیدگاه اسلام حجج اسلام غرویان و سروش محلاتی دوشنبه 8 دی‌ماه در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت السلام غرویان درباره چگونگی صحبت از کرامت انسانی گفت: به نظرم ما در این گونه مباحث راهی به جز اینکه شروع فلسفی داشته باشیم، نداریم. باید فرض را بر این بگذاریم که دیگران تعبدی نسبت به آیات قرآن ندارند. اینگونه می‌توانیم درباره آیات قرآن صحبت کنیم و تحلیل فلسفی داشته باشیم.

حجت الاسلام غرویان ادامه داد: لذا در بحث کرامت ذاتی و اکتسابی انسان باید با بیان فلسفی بحث را ارائه کنیم. تفسیر‌ها از اسلام و کرامت انسان گوناگون است و باید قرائت‌ها و تفسیرهای مختلف را بپذیریم. نمی‌توانیم از زیر بار واقعیت پلورالیسم بگریزیم. اما اینکه کدام تفسیر را می‌پذیریم باید فرض را بر این بگذاریم کدام استدلال قوی‌تر است تا معنای خود کرامت به عنوان کلید واژه روشن شود.

وی درباره شروع فلسفی برای شناخت کرامت انسان توضیح داد: مرادم از شروع فلسفی هستی‌شناسی یا نگاه کلان به عالم هستی است. فیلسوف بر بام هستی قرار می‌گیرد و مباحثی را ارائه می‌دهد. دنیا، حیات، انسان و مراتب وجود در فلسفه مطرح می‌شود. در بحث کرامت انسان نیز باید تعریفی از انسان که مجرد تام، مادی، دوساحتی و مرکب از بعد مجرد و مادی است، ارائه شود.

این استاد فلسفه افزود: ملاصدرا نظریه «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» را مطرح می‌کند و سعی می‌کند آن را با آیات قرآن تطبیق دهد. ابن سینا نیز معتقد است که روح انسان از جای دیگری حلول می‌کند. سوالی مطرح می‌شود که آیا معنای کرامت، نسبی و اضافی است و یا اینکه نفسی است. یعنی کرامت انسان نسبت به سایر انسان‌ها معنا می‌شود و یا در اضافه و نسبت با موجود دیگری سنجیده می‌شود. به نظر من کرامت یک مفهوم نسبی است.

حجت الاسلام غرویان عنوان کرد: باید بررسی شود که انسان نسبت به چه چیز کرامت دارد. نگاه به بحث کرامت ذاتی اعم از انسان و حیوان باید این طور تقویت شود که خداوند و انسان حی هستند و حیات تجلی حیات خداوند است. در بین موجودات انسان اشرف الاحیاء است. به این تعبیر تمام انسان‌ها یک کرامت ذاتی دارند چون خداوند یکی از اسماء خود را که صفت حی است، در انسان متجلی کرده است. در مراتب پایین‌تر حیوانات و نباتات غیر از انسان نیز همین طور هستند.

وی افزود: به همین اعتبار می‌توانیم کرامت را ذاتی بدانیم. در اینجا نگاه اضافی و نسبی باید معنا شود. نگاه اضافی و نسبی یعنی انسان‌ها نسبت به جمادات، نباتات و حیوانات نگاه اضافی و نسبی دارند. کرامت اکتسابی جایی مطرح می‌شود که علم و فضایل اخلاقی را تحصیل می‌کنند و جاهل نمی‌مانند.

در ادامه این نشست حجت السلام سروش محلاتی با بیان اینکه موضوع مورد پرداختم را در دو بخش مطرح می‌کنم، گفت: اگر کرامت ذاتی است، همه انسان‌ها باید مشترک باشند و جنسیت، ملیت و دین دخالتی در آن ندارد. در این کرامت به‌‌ همان میزانی که دیندار کرامت دارد، بی‌دین نیز می‌تواند کرامت داشته باشد. بنابراین کرامت برای انسان ناشی از دینداری می‌شود و نیازی نداریم که دامنه بحث را گسترده بدانیم تا در نتیجه گیری دچار مشکل شویم.

حجت الاسلام محلاتی ادامه داد: انسان آن‌گاه خلیفه الله است که حرف مستخلف عنه را بفهمد و ثانیا آن را اجرا کند. وقتی انسان جای مستخلف عنه بنشیند و حرف خودش را بزند، کرامت ندارد. منشأ کرامت، دین است و سوال این است که آیا کرامت برای انسان به علاوه دین است و یا برای ذات وجودی انسان است؟

وی با طرح پرسش‌هایی درباره کرامت بیان کرد: آیا کرامت انسان این طور معنا می‌شود که نسبت به موجودات دیگر امتیازی دارد؟ آیا عقل، اراده، احساسات و گرایش وجودی انسان امتیازی برای انسان از جهت کرامت ایجاد می‌کند؟... بنابراین این‌ها اصول موضوعه هستند. سوال این است که این امتیازات کرامت خاصی برای انسان به وجود می‌آورد یا نه؟

این استاد فلسفه تشریح کرد: از جهت عقلی خود این امتیازات کرامت به وجود می‌آورد چون معتقدیم هر استعدادی در یک موجود منشأ برای یک حق می‌شود. خداوند به انسان قدرت فکر کردن داده است و خدا بیهوده این قدرت را در اختیار انسان قرار نداده و امکان تخطئه آن وجود ندارد. اگر انسان اراده نداشته باشد، با حکمت الهی سازگار نیست. اگر خدا می‌خواست، اراده انتخاب بین کفر و ایمان را خلق می‌کرد و حتی پیامبر (ص) با اکراه خود نمی‌تواند این را از میان بردارد. باید مشخص کرد حقوق برخواسته از کرامت انسان چه محدودیت‌هایی نیز دارد.

حجت الاسلام محلاتی یادآور شد: خداوند فرموده ما به بنی آدم کرامت دادیم و این را نمی‌شود به مسلمانان و مومنان محدود کرد. کلمه بنی آدم نشان دهنده گستردگی کرامت است و نشان می‌دهد کرامت برای همه انسان هاست. اگر در این مباحث نه در مرحله عقلی و نه در مرحله نقلی به نتیجه نرسیم، به مرحله سوم می‌رسیم که ما انسان‌ها روی کره خاکی زندگی می‌کنیم و آیا اگر کرامت را کنار بگذاریم، امکان همزیستی بین انسان‌ها وجود دارد یا نه؟ به همین اقتضائات بود که حقوق بشر را مطرح کردند تا در جریان جنگ‌ها جامعه بشری از مخاطرات به دور باشد.

غرویان در پاسخ محلاتی گفت: حرف‌های شما با توجه به استدلال‌های آیت الله جوادی آملی در خصوص دین و تدین مطرح شده است که نوعی عمومیت را اشاره می‌کند. در موضوع کرامت بحث دین مطرح است؛ اگر انسان دیندار باشد، کرامت دارد و یا اگر نداشته باشد هم کرامت دارد. این استدلال بر «لقد کرمنا» استوار است که همه انسان‌ها را شامل می‌شود. همه انسان‌ها دیندار هستند و کرامت آن‌ها به دین و ایمان است. اگر مراد دین عام باشد، شامل همه دین‌ها می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که آیت الله آملی می‌گویند به اعتبار دین و تدین، انسان کرامت دارد.

وی افزود: آیت الله آملی تعریف دیگری درباره انسان دارند و می‌گویند انسان موجود زنده متأله است یعنی کسی که خداوند را قبول دارد. اگر این طور باشد همه انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند. باید در اینجا وارد این بحث شویم که کفر و ایمان چیست؟ بعضی فقها ایمان را مساوی تشیع می‌دانند و بعضی دیگر مومن را مسلمان و غیر را کافر می‌دانند.

این استاد فلسفه یادآور شد: اگر با نگاه غیرایدئولوژیک بگوییم، همه انسان‌ها ذاتا خدا‌شناس هستند و خودشان نمی‌دانند و این خدا‌شناسی فطری است. پس همه انسان‌ها ایمان به خدا دارند اما برخی از این‌ها نمی‌دانند. البته هیچ کس نمی‌تواند مرز کفر و ایمان را مشخص کند. ما نمی‌توانیم بگوییم هر حرفی به جز حرف من کفر است، پس من کرامت دارم.

حجت الاسلام محلاتی در پاسخ گفت: دین فطری بالقوه است و نه بالفعل. اگر دین بالقوه باشد یعنی احکام کرامت بالقوه است و چیزی با کرامت بالقوه نیز به دست نمی‌آوریم. نکته دیگر اینکه اصلا ایمان ملاکی برای کرامت ذاتی نیست و اگر بناست ایمان دلیل بر کرامت ذاتی باشد، چرا اجنه را مشمول کرامت نمی‌دانیم؟ اگر بر مشترکات انسان دست بگذاریم، مسأله کرامت انسان پاسخ پیدا نمی‌کند.

وی در پایان صحبت‌های خود بیان کرد: ما در مسیری هستیم که آینده روشنی ندارد. سال 57 انقلاب ایران پیروز شد و بعد از 5 ماه شورای تدوین قانون اساسی تشکیل شد. یکی از شخصیت‌های درجه اول از نظر فکری و عملی شهید مطهری بود. آن‌ها پیشوایان فکری بودند و به سهولت از کرامت ذاتی انسان بحث می‌کردند اما علامه طباطبایی درباره کرامت می‌گویند که خداوند کرامت انسان و میزان آن را می‌داند و ربطی به ارتباط اجتماعی انسان‌ها ندارد.

حجت الاسلام غرویان هم در پایان صحبتهای خود گفت: شما گفتید پایان راه نامعلوم است اما به نظرم ضرورت‌های زمان، اسلام‌شناسان را به سمتی می‌برد که به طور ناخودآگاه واقعیت‌های دنیای امروز را می‌پذیرند و فتواهای آن‌ها تغییر می‌کند. قبلا بحث کرامت ذاتی و طهارت کفار مطرح نبود اما الان گفته می‌شود کفار اهل کتاب پاک هستند. در این مباحث امیدواری می‌دهم در آینده شاهد فتواهای کاربردی و به روزتری باشیم.

انتهای پیام/

C:\Documents and Settings\m.saber\Desktop\ایسکا نیوز.jpg

در مناظره غرویان و سروش محلاتی

مطرح شد:

**غرویان:از مجموعه‌ای خارج شدم که آزادی تفکر را از من می‌گرفت/سروش محلاتی: در بحث کرامت انسانی جای متفکرانی چون شهید بهشتی و مطهری خالی است**

سه شنبه - ۱۳۹۳/۱۰/۰۹ - ۱۲:۰۱:۰۵

[http://iscanews.ir/images/print.png](http://iscanews.ir/print/177621/%d8%ba%d8%b1%d9%88%db%8c%d8%a7%d9%86-%d9%85%d9%86-%d8%af%d8%b1-%d8%b3%d8%a7%d9%84%d9%87%d8%a7%db%8c-%da%af%d8%b0%d8%b4%d8%aa%d9%87-%d8%a7%d8%b2-%d9%85%d8%ac%d9%85%d9%88%d8%b9%d9%87-%d8%a7%db%8c)

کد خبر **ایسکانیوز - دین و اندیشه**: **۱۷۷۶۲۱**

روز گذشته، به دنبال دعوت دکتر اشرف بروجردی، معاون فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی، دو تن از اساتید برجسته حوزه به بحث درباره کرامت انسانی از منظر اسلام پرداختند. حجج اسلام سروش محلاتی و غرویان در این مناظره تلاش کرده‌اند مبانی کرامت ذاتی انسان از منظر اسلام را تبیین کنند.  در ادامه گزارش این مباحثه را می‌خوانید.  
جلسه پس از مقدمه‌ی کوتاه مجری با طرح بحث استاد غرویان آغاز شد. وی ابتدا هدف از بحث حاضر را مناظره به معنی واقعی کلمه و طرح بحث علمی و نه منازعه دانست. در ادامه افزود:«به نظرم در اینگونه مباحث راهی به جز یک شروع فلسفی نداریم. در بحث کرامت انسانی نمی‌توان از آیات و روایات آغاز کرد. چرا که در مقابل ما اشخاصی هستند که ممکن است تعبدی نداشته باشند. می‌توان از این آیات و روایات را طرح کرد، مشروط بر اینکه تحلیلی  فلسفه نیز از آن ارائه کنیم. تفسیرها از آیات و روایات گوناگون است. ما باید این گوناگونی و اجتناب‌ناپذیر بودن آن را بپذیریم.  
در بحث کرامت هم همینگونه است و ما نمی‌توانیم از زیر بار پلورالیسم و کثرت روایات فرار کنیم. اما اینکه کدام یک را انتخاب می‌کنیم، بستگی به برهان ما دارد.»  
وی در توضیح منظور خود از خاستگاه فلسفی بحث خاطرنشان کرد:‌ «فلسفه را گاه تعبیر به هستی‌شناسی کرده‌اند. فیلسوفان مباحثی همچون مراتب وجود، مبداء و معاد و از این دست مباحث را طرح می‌کنند. ما نیز برای آغاز بحثمان نیازمند طرح مباحث نفس‌شناسی هستیم. درباره نفس انسان مستحضرید که ملاصدرا بحث جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء را مطرح می‌کند. ابن‌سینا نظر دیگری دارد. ما بدون وارد شدن در این مباحث که مبانی علوم انسانی است نمی‌توانیم در باب مسائل دیگر تصمیم بگیریم.  
کرامت آنچنان که در اینجا طرح شده است، یک معنی نسبی دارد. وقتی سخن از کرامت انسانی است، مقصود کرامت در نسبت با چه چیز است؟ برای مثال در نسبت با گیاهان یا حیوانات.  
بنده برای تقویت این دیدگاه که انسان کرامت ذاتی دارد، از حئ بودن خداوند و انسان آغاز می‌کنم. حیات انسانی شریفترین حیات در میان موجودات زنده است. حیاتی که از دم خداوندی حاصل شده است. به همین واسطه انسان دارای کرامت ذاتی است. کرامت اکتسابی در آنجایی طرح می‌شود که برای مثال انسانهایی تحصیل علم می‌کنند.»  
در ادامه مباحثه، استاد سروش محلاتی به طرح بحث ار منظری متفاوت پرداخت. وی ابتدا در نقد طرح بحث استاد غرویان گفت:‌ «ما بحث را از مقدماتی بعیده آغاز کرده‌ایم. توقف بر این مقدمات در این زمان کوتاه مانع از رسیدن به نتیجه مطلوب می‌شویم.»  
سپس افزود: «بحث این است که اگر کرامت ذاتی در کار باشد، نه جنسیت و نه دین و نه ملیت در آن دخالت ندارد. اگر قائل به چنین کرامتی نشده‌ایم، آنگاه میتوان نظریات متفاوتی را اتخاذ کنیم. اما آن نظری که مطرح است، آن است که شخص به واسطه مذهب و پذیرش دین حق است که کرامت پیدا می‌کند.»  
ایشان در ادامه بخشی از کتاب آیت‌لله جوادی آملی را (بدون ذکر نام نویسنده) به عنوان نماینده نگاه رقیب خواند: «آنگاه انسان خلیفة الله است که حرف مستخلف عنه را بشناسد و آن را اجرا کند. اما اگر بر جای مستخلفه عنه بنشیند دیگر کرمنا شامل او نمی‌شود. … .منشاء کرامت دین است.»  
پس از خواندن متن افزود: «بحث در اینجا این است که آیا کرامت به واسطه دین است یا خیر. بنده در صدد اثبات این نگاه هستم که کرامت ذاتی است. در اینجا ما از بحث کرامت از انسان و مقتضیات خاص حقوقی او بحث می‌کنیم و نه بحثی که آقای غرویان طرح کردند، یعنی کرامت به واسطه زنده و حی بودن. بنابراین نیازی به آغاز از مقدمات بعیده انسانشناسانه که ایشان به آن اشاره کردند نیست.»  
در ادامه ایشان سه مبنای عقلی، نقلی و عملی را به عنوان پایه بحث طرح کردند. در ابتدا در توضیح مبنای عقلی تصریح کردند: «ما از اصول موضوعه‌ای آغاز می‌کنیم که امتیازات انسان است مانند اراده و عواطف. پرسش اینجاست که آیا این امتیازات انسان را صاحب حقوقی می‌کند؟ از منظر عقلی بله! چرا که ما بر این اعتقاد هستیم که هر استعدادی سند طبیعی بر حقی است. زمانی که خداوند به انسان قدرت فکری داده است، حقوقی به دنبال آن می‌آید که منشاء کرامت است. این با حکمت الهی سازگار نیست که اراده بدهد و بعد به پیامبران دستور بدهد که آن را سرکوب کند.»  
سپس مبنای نقلی خود را اینچنین شرح دادند: «اگر کسی اعتمادی به این مباحث ندارد و چشمش به قرآن است به او می‌گوییم «‫وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ‬». در اینجا بحث کرامت فراتر از مومنین است و برای همه انسانها است. علامه طباطبایی هم در تفسیر المیزان  فرموده‌اند که این بحث شامل کفار نیز می‌شود.»  
در نهایت ایشان طرح مبنای کرامت از نقطه نظر عملی پرداختند: «آیا بدون قبول کرامت امکان همزیستی وجود دارد؟ به جز این چه را میتوان جایگزین کنیم؟ نویسندگان اعلامیه حقوق بشر به دنبال یک راه حل عملی برای نجات از فجایع ناشی از جنگ جهانی بوده‌اند. در اینجا هم نگاه اسلامی هم داریم. هر سه این مبانی اسلامی است: چه نگاه عقلی، چه نقلی و چه عملی. چرا که تجربه بشری یکی از ملاکها است برای تشخیص آنچه اسلامی است.»

[](http://iscanews.ir/wp-content/uploads/2014/12/e91dfaaf-3283-45e4-b8fa-3d847b831cb6.jpg)  
غرویان در پاسخ بحث طرح شده گفت‫:‬ «نقل قولی که ذکر شد از جانب جناب جوادی آملی بود. من سعی می‌کنم دفاعی از حرف ایشان [استاد جوادی] ارائه کنم. البته من به خیلی از مباحثی که ایشان [استاد محلاتی] گفتند معتقد هستم. اما میتوان حاشیه‌ای را به آن اضافه کنیم.  
ایشان افزودند: «علمایی که معتقدند کرامت انسان حیثیت تقیدیه دارد ممکن است بگوید که دین عام است و هر انسانی دین دارد. چنان که داریم « لا تبدلوا خلق الله ، فتغيروا الناس عن فطرتهم التي فطرهم الله عليها». چنانکه استاد جوادی نیز در جای دیگر گفته‌اند انسان حئ متاله است. اما نگاه فقهی با نگاه وسیعتر [که در اینجا مقصود استاد جوادی بوده] متفاوت است.  
چنانکه در جای دیگری، جوادی گفته همه انسانها عالمند به وجود خدا. اگرچه علم به علم ندارند.»  
مجری جلسه در اینجا پرسشی را از استاد غرویان طرح کرد: «آیا مبتنی بر این توجیه که برای بیانات استاد آملی آورده‌اید حقوقی هم حاصل می‌شود؟ چرا که برخی از بزرگان نوشته‌اند که تنها حق برآمده از کرامت ذاتی حق هدایت است.»  
غرویان در پاسخ تصریح کردند: «ما تفاسیر متفاوت از اسلام داریم. کلیت پاسخ من این است که بله حقوقی برای ادیان قائل هستیم. برای مثال بنده در جایی در توجیه جهاد ابتدایی گفته‌ام آن نیز به نوعی دفاعی است. دفاع از حقیقت است. معنایش این است که به حقیقت ظلم شود. ما اصالت حرب ندایم. اصالت دعوت داریم. در آنجا هم ابتدا دعوت می‌کنیم.»

[](http://iscanews.ir/wp-content/uploads/2014/11/bf2e8f2d-2d1c-4707-8301-391e0d518762.jpg)  
سروش محلاتی در رد توجیه غرویان برای بیانات استاد جوادی خاطرنشان کردند: «آنچه حضرت جوادی فرموده‌اند با این بیانات قابل توجیه نیست. ایشان تصریح کردند که برای برخورداری از کرامت شخص باید دستور خدا را بفهمد و اجرا کند. آیا از منظر ایشان مردم چین و هند دستور خدا را اجرا می‌کنند؟ اگر ملاک را آنچنان که گفتید دین فطری بگیریم مشکلی پیش خواهد آمد. دین فطری دین بالقوه است. و کرامت برآمده از آن هم بالاقوه می شود. حال آنکه ما به دنبال کرامت بالفعل هستیم.»  
ایشان در ادامه افزودند: «نکته دیگر آن است که ایمان ملاک کرامت ذاتی نیست. چرا که اگر بر اساس ایمان تعریف کنیم. چرا اجنه و ملائکه کرامت ندارند؟»  
ایشان اضافه کردند: «ما در مسیری قرار داریم که آینده روشنی ندارد. سال پنجاه هفت، انقلاب به پیروزی رسید. شخصیت اول از نظر فکری و علمی شهید مطهری بود. در همان ردیف شهید بهشتی. اینان به عنوان پیشوایان فکری به سهولت از کرامت ذاتی بحث می‌کردند.  
اصل دوم قانون اساسی به واسطه شهید بهشتی اشاره به کرامت انسانی در کنار اصول دین به عنوان پایه نظام ما دارد. در حالیکه در کتاب نظریه حقوقی اسلام استاد مصباح یزدی آمده است ملاک کرامت تن‌دادن به نظام اسلامی است و چنانچه شخص با اختیار خود از تابعیات خارج گردد و یا در صدد براندازی باشد، دلیلی ندارد دارای حقوق فردی و اجتماعی باشد».جای امثال بهشتی و مطهری در دوران ما خالی است.  
سپس ایشان به مقایسه دیدگاه استاد مصباح یزدی و علامه طباطبایی پرداختند: «مرحوم علامه طباطبایی در دو جا از تفسیر المیزان تصریح کرده است که عند اکرمکم عند الله ربطی به مسائل حقوقی اجتماعی ندارد.»  
ایشان با ابراز تاسف به هبوطی که پس از اندیشمندان درخشانی چون علامه و شهید مطهری و بهشتی که همه قائل به کرامت ذاتی انسان بودن دچار آن شده‌ایم تا پاره‌ای از اساتید کنونی کرامت را حتی برای کسانی که در اندیشه براندازی هستند نفی می‌کنند. اضافه کرد:« تا کی باید استخوان لای زخم گذاشت و در لفافه سخن گفت.»  
پس از بیانات استاد محلاتی، استاد غرویان افزود: «من پنج شش سال پیش از یک مجموعه آمدم بیرون که حتی آزادی تفکر هم از ما می‌گرفتند.»  
ایشان اضافه کردند که با این وجود نباید نگاه یاس‌آلودی داشت. چرا که: «ضرورت زمان فقها را به سمت فتوای جدید کشانده است. برای مثال در حال حاضر نظریه مشهور این است که کفار اهل کتاب پاک است. به همین علت امیدواری میدهیم که فتوای به روزتر شاهد خواهید بود.  در آینده منتظر باشید که فتوای جواز ازدواج با کفار نیز داده شود.»  
در نهایت درباره استاد جوادی آملی افزودند: «ایشان نگاه عرفانی دارند. اما گاهی در بیانات ایشان نگاه فقهی و ایدئولوژیک مشددی یافت می‌شود»

انتهای پیام/

**خبرگزاری سینا**

**کرامت نسبی است**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میزبان محسن غرویان و محمدسروش محلاتی در مناظره ای با عنوان کرامت انسانی از دیدگاه اسلام بود.

به گزارش مهر، پژوهشگاه علوم انسانی میزبان آیت الله محسن غرویان و حجت الاسلام محمدسروش محلاتی در مناظره ای با عنوان کرامت انسانی بود.

**عرش نیوز**

**بین غرویان و سروش محلاتی چه حرف‌هایی رد و بدل شد/ «کرامت انسانی» ذاتی است یا اکتسابی**

سه شنبه ۹ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۳۴

به گزارش  [**به گزارش عرش نیوز**](http://www.arshnews.ir/)مناظره «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» بین حجج اسلام محسن غرویان و محمد سروش محلاتی، از اساتید حوزه و دانشگاه عصر روز گذشته (دوشنبه 8 دی ماه) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پایان رسید.

**ندای انقلاب**

**مناظره حجج اسلام سروش محلاتی و غرویان برگزار شد**

تاریخ انتشار : دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۴۲

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه ندای انقلاب، مناظره «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» بین حجج اسلام محسن غرویان و محمد سروش محلاتی، از اساتید حوزه و دانشگاه دقایقی پیش (8 دی ماه) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پایان رسید.  
مشروح مناظره حجج اسلام غرویان و سروش محلاتی در ندای انقلاب منتشر خواهد شد.

**بولتن نیوز**

# [مناظره بین غرویان و محلاتی](http://www.bultannews.com/fa/news/236061/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%B8%D8%B1%D9%87-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%BA%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D9%85%D8%AD%D9%84%D8%A7%D8%AA%DB%8C)

**به گزارش بولتن** به نقل از فارس، مناظره «کرامت انسانی از دیدگاه اسلام» بین حجج اسلام محسن غرویان و محمد سروش محلاتی، از اساتید حوزه و دانشگاه دقایقی پیش (8 دی ماه) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پایان رسید.

**شبکه اجتهاد**

تقابل محلاتی و غرویان در منشأ کرامت انسانی؛

کرامت، ذاتی انسان است یا نسبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میزبان محسن غرویان و محمدسروش محلاتی در مناظره‌ای با عنوان کرامت انسانی از دیدگاه اسلام بود. به گزارش **شبکه اجتهاد**، پژوهشگاه علوم انسانی میزبان حجت‌الاسلام محسن غرویان و حجت‌الاسلام محمدسروش محلاتی در مناظره‌ای با عنوان کرامت انسانی بود. گزارش کامل این مناظره به استحضار خوانندگان می‌رسد.

مهر - See more at: